

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۱-۱۳

بررسی اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی ایران

حسین مهربابی بشرآبادی، حمیده موسوی محمدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۷/۲۷

چکیده

تیین اثر آزادسازی تجاری بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از مباحث اصلی اقتصاددانان توسعه در سال‌های اخیر به‌شمار می‌رود. همچنین، در میان تمامی حقوقی که در قالب نیازهای پایه‌ای خانوار به افراد یک اجتماع داده می‌شود، «امنیت غذایی» از مهم‌ترین نیازهای فردی است که مسئولیت تأمین آن به عهده دولت‌هاست؛ و برای امنیت غذایی جهان، تجارت غذا امری حیاتی است. با توجه به اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر با استفاده از شاخص شدت تجاری و شاخص کلی امنیت غذایی خانوار در دوره زمانی ۱۳۶۲-۱۳۸۵، به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی با به‌کارگیری روش تصحیح خطای برداری می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که این اثر به‌میزان اندک است که در کوتاه‌مدت منفی، و در بلندمدت مثبت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیت غذایی / خانوارهای روستایی / ایران / آزادسازی تجاری.

* * *

* به‌ترتیب، دانشیار بخش اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (hmehrab2000@gmail.com)، و کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی (h.mosavi.m2001@gmail.com).

مقدمه

در سال‌های اخیر، تبیین اثر آزادسازی تجاری بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از مباحث اصلی اقتصاددانان توسعه بوده است. از آنجا که در میان تمامی حقوقی که در قالب نیازهای پایه‌ای خانوار به افراد یک اجتماع داده می‌شود، «امنیت غذایی» از مهم‌ترین نیازهای فردی است که مسئولیت تأمین آن به عهده دولت‌هاست، می‌توان تجارت غذا را از راه‌حل‌های تأمین امنیت غذایی جهان برشمرد. در واقع، با آزادسازی تجاری در کشورهای دارای محدودیت تولید، تولید غذا از طریق مصرف آن به قیمت‌های رقابتی افزایش می‌یابد؛ و برای کشورهایی که به‌منظور تأمین امنیت غذایی، می‌توانند به تولید و عرضه محصولات غذایی با بهترین کارایی بپردازند، انگیزه لازم فراهم می‌شود. اما با توجه به جنبه خودمعیشتی بودن خانوارهای روستایی، مقاله حاضر بر آن است که اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی این خانوارها را مورد بررسی قرار دهد.

در زمینه آزادسازی تجاری و امنیت غذایی، مطالعات داخلی و خارجی زیادی انجام شده است که از آن میان، می‌توان بدین موارد اشاره کرد: سشامانی (Seshamani, 1999) به اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی زامبیا پرداخته است تا محدودیت‌های اصلی متداول در رشد تولید و مصرف غذا را تحلیل کند. تحلیل نهایی این تحقیق نشان داد که برای امنیت غذایی، باید فقر شدید موجود در کشور از طریق توسعه پایدار و سیاست‌های تجاری مناسب کاهش یابد و بدین منظور نیز باید فقر کشاورزان خرده‌پا را به حداقل رساند. پائول (Dorosh, 2001) درباره آزادسازی تجاری و امنیت غذایی ملی برنج در بنگلادش و هند تحقیق کرده است. به باور وی، از طریق آزادسازی تجاری برنج در بنگلادش و هند، می‌توان بر میزان حمایت‌های داخلی افزود؛ و به‌منظور تأمین امنیت غذایی کوتاه‌مدت افراد، وجود مساعدت‌های آزادسازی تجاری در بنگلادش بر بهره‌وری کشاورزی و رشد اقتصادی روستایی بی‌تأثیر خواهد بود. با این همه، از آنجا که آزادسازی تجاری بر میزان عرضه سریع غذا همراه با تولید داخلی می‌افزاید، بر امنیت غذایی ملی اثری مثبت دارد. همچنین، چایلوا (Chilowa, 1998)،

به منظور بررسی اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی در مالاوی، با تحلیل اثر سیاست‌های قیمتی و بازاری بر بنگاه‌های محلی و خصوصی، به بیان راه‌های بهبود امنیت غذایی خانوارها پرداخته است. نتیجه این بررسی گویای آن است که برای افزایش امنیت غذایی خانوارها، باید عواملی همچون افزایش بهره‌وری کشاورزی، ایجاد بازار و سیاست‌های قیمتی مناسب، و بهبود درآمدهای جاری افراد محقق شوند. راماکریشنا و آصف (Ramakrishna and Assef, 2002) شاخص کلی امنیت غذایی خانوار^(۱) در شمال اتیوپی را محاسبه کردند و نتیجه گرفتند که در این نواحی، امنیت غذایی در سطح بالا (بیش از ۸۵ درصد) قرار گرفته است؛ و با بهره‌گیری از مدل لوجیت، میزان تولید را بر امنیت غذایی مؤثر دانستند. ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵)، با استفاده از روش پویای داده‌های پانل برای ۲۳ کشور در حال توسعه منتخب در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۷۱، دریافتند که صادرات رابطه‌ای منفی با قیمت‌های نسبی و رابطه‌ای مثبت با درآمد جهانی دارد و وقوع آزادسازی تجاری دارای اثرات مثبت معنی‌دار بر رشد صادرات و واردات است. سلطانی و همکاران (۱۳۸۴)، با بررسی اثر آزادسازی تجاری بر اقتصاد روستایی ایران در دوره زمانی ۸۰-۱۳۵۱، دریافتند که آزادسازی تجاری اثرات مثبت و منفی را بر کشاورزی و اقتصاد روستایی تحمیل می‌کند. محمدی و نقشینه‌فرد (۱۳۸۵)، در مطالعه‌ای با عنوان «اثرات آزادسازی تجاری بر عرضه، تقاضا، واردات و صادرات گندم و پسته در ایران»، با استفاده از شاخص سطح بین‌المللی تجارت، نتیجه گرفتند که این شاخص بر عرضه داخلی گندم و پسته و نیز بر صادرات پسته اثر مثبت دارد اما اثر آن بر تقاضای داخلی این دو محصول و نیز بر واردات گندم منفی است. محسنی (۱۳۸۳)، در مطالعه تأثیر آزادسازی تجاری بر واردات، با استفاده از روش پویای داده‌های پانل، برخی از کشورهای در حال توسعه منتخب از جمله ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، کاهش تعرفه واردات و افزایش درجه آزادسازی تجاری بر رشد واردات کشورهای در حال توسعه به‌ویژه ایران اثری مثبت و معنی‌دار دارد. رجیبی (۱۳۸۰)، از طریق حرکت پویایی در دوره زمانی ۸۰-۱۳۳۸، به بررسی اثر بلندمدت آزادسازی تجاری بر بودجه دولت پرداخت و با

آزمون آثار انتخاب راهبردهای تجاری بر شاخص اقتصادی بودجه دولت، نشان داد که آزادسازی همراه با کاهش تعرفه‌ها ساختار درآمدهای دولت را تغییر می‌دهد و باعث افزایش کسری بودجه خواهد شد. ابریشمی و همکاران (۱۳۸۴)، با استفاده از روش پویای داده‌های پانل، رابطه آزادسازی تجاری با رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۷۱ را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با آزادسازی تجاری، به دلیل افزایش بیشتر رشد واردات نسبت به صادرات، کسری تراز تجاری بیشتر خواهد شد. خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۳) سطح امنیت غذایی خانوارهای ایرانی در دوره زمانی ۷۶-۱۳۶۴ را بر اساس شاخص کلی امنیت غذایی خانوار برآورد کردند. نتیجه این برآورد نشان داد که روند تأمین امنیت غذایی برای خانوارهای روستایی و شهری صعودی بوده است.

با نگاهی به مطالعات انجام شده، مشخص می‌شود که در اکثر موارد، موضوعات امنیت غذایی و آزادسازی تجاری به طور جداگانه بررسی شده است. در واقع، ظاهراً آزادسازی تجاری با تأثیرگذاری بر عواملی همچون درآمد، صادرات، واردات و عرضه مواد غذایی، که خود در تأمین امنیت غذایی خانوار نقشی مهم دارند، تأثیری غیرمستقیم بر آن خواهد گذاشت. مطالعه حاضر نیز برای روشن تر شدن رابطه دو موضوع، با توجه به جنبه خودمعیشتی بودن خانوارهای روستایی، بر آن شد که با محاسبه شاخص آزادسازی تجاری و شاخص کلی امنیت غذایی خانوارهای روستایی، به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی این خانوارها در دوره زمانی ۸۵-۱۳۶۲ پردازد.

مواد و روش‌ها

در این مطالعه، جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده و برای محاسبه شاخص امنیت غذایی خانوارها، آمار مورد نیاز از مرکز آمار و اطلاعات بانک مرکزی به دست آمده است. پس از جمع‌آوری آمار هزینه خوراک خانوارهای روستایی در دهک‌های مختلف و تبدیل آنها به انرژی، مقادیر به دست آمده با انرژی استاندارد دریافتی مقایسه شدند؛ و با توجه به بعد خانوار، محاسبه درصد افرادی که کمتر از

استاندارد انرژی دریافت کرده بودند، میانگین انرژی دریافتی کمتر از استاندارد، و دیگر متغیرها صورت گرفت. به منظور محاسبه شاخص آزادسازی تجاری نیز از آمار بانک مرکزی استفاده شد. در تحقیقات مختلف، برای آزمون اثرات باز بودن^(۲) تجاری بر متغیرهای اقتصادی، معیارهایی متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مطالعه، از شاخص آزادسازی تجاری (شدت تجاری)، که نسبت تجارت یک کشور (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی آن است، به صورت زیر استفاده شده است:

$$\text{openness} = \frac{X + M}{\text{GDP}} \quad (1)$$

که در آن، X = میزان صادرات کل (میلیون ریال)، M = میزان واردات کل (میلیون ریال)، و GDP = تولید ناخالص داخلی است.

به منظور برآورد امنیت غذایی، می‌توان از شاخص‌هایی متفاوت همانند شاخص امنیت غذایی^(۳) و شاخص کلی امنیت غذایی خانوار کمک گرفت. این مطالعه از شاخص کلی امنیت غذایی خانوار استفاده کرده که فائو آن را بر مبنای کار سن در سال ۱۹۷۶ و بیگمن در سال ۱۹۹۳ به صورت رابطه ۲ توسعه داده است (Thomson and Metz, 1998).

$$\text{AHFSI} = 100 - \left[H(G + (1 - G)I^P) + \frac{1}{4}CV(1 - H(G + (1 - G)I^P)) \right] \times 100$$

$$G = \frac{C_S - C_{AU}}{C_S \times H} \quad H = \frac{P_U}{P_T} \quad CV = \frac{S}{\bar{X}} \quad (2)$$

که در آن:

H و PU ، به ترتیب، عبارت‌اند از درصد و تعداد افرادی که کمتر از استاندارد انرژی دریافت کرده‌اند؛ PT = تعداد کل جمعیت مورد مطالعه؛ G = شدت فقر غذایی؛ CS = انرژی استاندارد؛ CAU = میانگین انرژی دریافتی کمتر از استاندارد؛ IP = ضریب توزیع انرژی بین فقرا؛ CV = ضریب تغییرات عرضه انرژی طی زمان؛ S = انحراف معیار عرضه انرژی طی زمان؛ و X = میانگین عرضه انرژی طی زمان. دامنه مقدار این شاخص از صفر تا صد است (Thomson and Metz, 1998). اگر مقدار شاخص کمتر از

۶۵ درصد باشد، امنیت غذایی یک کشور در سطح بحرانی است؛ همچنین، اگر بین ۶۵ تا ۷۵ درصد باشد، امنیت غذایی آن در سطح کم و اگر بیش از ۷۵ درصد باشد، در سطح بالاست (Pinstrup-Andersen and Pandya-Lorch, 1995).

با توجه به وجود عواملی همچون سطح فقر و ضریب جینی توزیع انرژی در محاسبه شاخص امنیت غذایی خانوار، مطالعه حاضر کوشیده است تا اثر این عوامل به همراه آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی خانوار را بیشتر بررسی کند. بدین منظور، الگویی به صورت زیر تبیین شد:

$$LAGRU = \alpha LOP + \beta LPOORU + \gamma LGRU \quad (3)$$

که در آن:

$LAGRU$ = امنیت غذایی خانوارهای روستایی؛ LOP = آزادسازی تجاری؛ $LGRU$ = ضریب جینی توزیع انرژی؛ و $LPOORU$ = سطح فقر روستایی. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای به کار رفته در الگوی بالا در دوره زمانی ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵، از روش سری زمانی استفاده شد که در آن، تعیین درجه همبستگی با استفاده از آزمون دیکی - فولر تعدیل شده^(۴) انجام گرفت. در مورد هر کدام از مدل‌های برآزش شده، در صورت پایایی پسماندهای حاصل از رگرسیون (که با استفاده از آزمون یادشده، قابل بررسی است) و یکسان بودن درجه همبستگی متغیرهای مدل، دیگر رگرسیون کاذب نخواهد بود. پس از انجام بررسی وقفه‌های متغیرها، در صورتی که الگوی مورد نظر دارای هم‌بستگی باشد، از طریق الگوی تصحیح خطای برداری^(۵) برآورد انجام می‌گیرد که در نتیجه آن، می‌توان روابط بلندمدت را به دست آورد؛ و در غیر این صورت، از مدل خودرگرسیونی برداری استفاده خواهد شد.

بحث و نتایج

شاخص کلی امنیت غذایی خانوارهای روستایی محاسبه شده طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ بر اساس برآورد انجام شده به قرار جدول ۱ است.

جدول ۱- مقادیر شاخص کلی امنیت غذایی خانوارهای روستایی و آزادسازی تجاری در ایران طی دوره ۸۵-۱۳۶۲

شاخص آزادسازی	شاخص امنیت غذایی	IP (ضریب توزیع انرژی بین فقرا)	CV (ضریب عرضه تغییرات زمان طی انرژی)	G (شدت فقر غذایی)	H (درصد افرادی که کمتر از استاندارد انرژی دریافت کرده‌اند)	سال
۰/۳۶	۸۵/۵۴	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۲۳۵	۳۹/۱	۱۳۶۲
۰/۲۷	۸۴/۵۵	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۲۲۲	۴۱/۳	۱۳۶۳
۰/۲۳	۸۴/۳	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۲۱۶	۴۲/۶	۱۳۶۴
۰/۱۱	۸۶/۶۸	۰/۴۶	۰/۳۴	۰/۰۲۷۴	۳۳/۵	۱۳۶۵
۰/۱۶	۸۷/۶۹	۰/۴۱	۰/۳۴	۰/۰۲۶۹	۳۴/۲	۱۳۶۶
۰/۱۷	۸۷/۴۹	۰/۴۱	۰/۳۴	۰/۰۲۶۲	۳۵/۱	۱۳۶۷
۰/۲۰	۸۶/۷۶	۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۰۲۵۲	۳۶/۴	۱۳۶۸
۰/۲۷	۸۵/۸۴	۰/۴۴	۰/۳۴	۰/۰۲۴۶	۳۷/۴	۱۳۶۹
۰/۳۴	۸۶/۵۵	۰/۴۴	۰/۳۴	۰/۰۲۶۱	۳۵/۲	۱۳۷۰
۰/۲۷	۸۵/۰۸	۰/۴۴	۰/۳۴	۰/۰۲۳۳	۳۹/۴	۱۳۷۱
۰/۳۵	۸۸/۹۳	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۳۱	۲۹/۶	۱۳۷۲
۰/۳۰	۸۸/۷۴	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۳۰۴	۳۰/۲	۱۳۷۳
۰/۲۶	۸۹/۸۹	۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۰۳۴	۲۷	۱۳۷۴
۰/۳۰	۸۹/۴	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۳۲۶	۲۸/۲	۱۳۷۵
۰/۲۹	۸۹/۷۳	۰/۴	۰/۳۴	۰/۰۳۱۶	۲۹/۱	۱۳۷۶
۰/۲۲	۹۲/۱۷	۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۰۴۴۲	۲۰/۸	۱۳۷۷
۰/۲۷	۹۰/۶۸	۰/۴۱	۰/۳۴	۰/۰۳۶	۲۵/۵	۱۳۷۸
۰/۳۴	۹۰/۸۵	۰/۴۱	۰/۳۴	۰/۰۳۶۳	۲۵/۳	۱۳۷۹
۰/۳۷	۸۹/۷۱	۰/۴	۰/۳۴	۰/۰۳۱۶	۲۹/۱	۱۳۸۰
۰/۴۱	۹۲/۱۴	۰/۳۹	۰/۳۴	۰/۰۴۱۴	۲۲/۲	۱۳۸۱
۰/۴۲۱	۹۲/۶۷	۰/۴	۰/۳۴	۰/۰۴۵۷	۲۰/۱	۱۳۸۲
۰/۴۲۰	۹۲/۲۸	۰/۴۲	۰/۳۴	۰/۰۴۵۵	۲۰/۲	۱۳۸۳
۰/۴۲۱	۹۳/۸۲	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۵۸۲	۱۵/۸	۱۳۸۴
۰/۴۲۱	۹۳/۷۷	۰/۴۳	۰/۳۴	۰/۰۵۸۵	۱۵/۷	۱۳۸۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق، براساس آمار دریافتی از مرکز آمار ایران (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۸۷/۲/۱۲)

با توجه به جدول ۱، می‌توان گفت که طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵، امنیت غذایی خانوارهای روستایی تقریباً روندی صعودی داشته است. با این همه، در سال‌های ۷۰-۱۳۶۲، به‌علت وجود شرایط جنگی و کاهش تولید و نیز اجرای نظام سهمیه‌بندی کالاهای اساسی در کشور، امنیت غذایی خانوارهای روستایی کاهش یافته است. روند نزولی شاخص آزادسازی تجاری در همین دوران را نیز می‌توان دلیلی دیگر بر این موضوع دانست. تقریباً پس از ۱۳۷۰، به‌علت وجود عواملی همچون تحریم، کسری بودجه دولت، افزایش جمعیت و کاهش اشتغال، شاخص کلی امنیت غذایی خانوارهای روستایی با توجه به خودمعیشتی بودن این خانوارها اندکی نوسان داشته است. اما در این زمان، به‌نظر می‌رسد که به‌منظور تقویت تولید داخلی و بهبود شرایط کشور، دولت به‌سوی آزادسازی تجاری حرکت کرده و البته در برخی سال‌ها نیز بر اثر کسری بودجه و کمبود تولید داخلی، از این مهم بازمانده است.

پیش از تحلیل اثر متغیرهای موجود بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی به بررسی پایایی، تعیین وقفه بهینه و همگرایی متغیرها پرداخته شد. برای بررسی ایستایی^(۶) متغیرها، که به‌شکل لگاریتمی محاسبه شده‌اند، از آزمون ریشه واحد استفاده شد. بر اساس نتایج این آزمون، آماره دیکی - فولر تعدیل‌شده تفاضل مرتبه اول متغیرهای امنیت غذایی خانوارهای روستایی، آزادسازی تجاری، سطح فقر و ضریب توزیع انرژی بین فقرا به‌ترتیب، برابر با $-۶/۶$ ، $-۴/۹$ ، $-۷/۱$ و $-۵/۹$ بوده است. از این‌رو، همه متغیرهای موجود در سطح معنی‌داری پنج درصد ایستا از درجه یک و وقفه بهینه صفر بودند. جملات خطا نیز از طریق تخمین حداقل مربعات معمولی^(۷) ایستا از درجه صفر بودند. این موضوع دلیلی بر وجود بردار هم‌انباشتگی و در نتیجه، وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها بود، که از طریق آزمون هم‌انباشتگی یوهانسن^(۸) نیز تأیید شده است. این آزمون یک بردار هم‌انباشتگی را نشان داد (جدول ۲). به‌منظور تعیین وقفه بهینه مدل، از معیارهای اکائیک^(۹)، سوارتز^(۱۰) و حنان کوئین^(۱۱) استفاده شد، که برای مدل تصحیح خطای برداری متغیرهای موجود در الگو، هر سه معیار تعداد دو وقفه بهینه را نشان دادند.

جدول ۲- نتایج آزمون هم‌انباشتگی یوهانسن بین متغیرهای موجود در الگو

مقدار ویژه	نسبت حداکثر درست‌نمایی	مقادیر بحرانی در سطح احتمال ۱٪	مقادیر بحرانی در سطح احتمال ۵٪	فرض عدم معادله هم‌انباشتگی
۰.۸۱	۵۱.۳۹	۵۴.۴۶	۴۷.۲۱	هیچ
۰.۳۲	۱۶.۳۵	۳۵.۶۵	۲۹.۶۸	حداکثر ۱
۰.۳۲	۸.۱۶	۲۰.۰۴	۱۵.۴۱	حداکثر ۲
۰.۰۱	۰.۱۹	۶.۶۵	۳.۷۶	حداکثر ۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به‌علت وجود بردار هم‌انباشتگی بین متغیرها، از روش تصحیح خطای برداری استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده از روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای موجود در الگو در معادله ۴ آمده است.

$$D(LAGRU) = - ۱/۰۷[LAGRU(-۱) - ۰/۰۲LOP(-۱) + ۰/۱۱LGRU(-۱) + ۰/۰۸LPOORU(-۱) -] + ۰/۲۷۴/۷(LAGRU(-۱)) + ۰/۰۴D(LAGRU(-۲)) - ۰/۰۵D(LOP(-۱)) - ۰/۰۰۶D(LOP(-۲)) - ۰/۰۹D(LGRU(-۱)) + ۰/۰۱D(LGRU(-۲)) + ۰/۰۸D(LPOORU(-۱)) + ۰/۰۱D(LPOORU(-۲)) + ۰/۰۰۸ \quad (۴)$$

بر اساس این معادله، متغیر آزادسازی تجاری در کوتاه‌مدت دارای اثر منفی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی است. از بررسی جداگانه‌ای مبنی بر تعیین اثر واردات و صادرات بر امنیت غذایی خانوارها چنین نتیجه‌گیری شد که در کوتاه‌مدت، اثر واردات و صادرات (با سطح ایستایی و تعداد وقفه بهینه یک) بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی منفی است، به‌گونه‌ای که بر اساس مطالعات پیشین ابریشمی و همکاران (۱۳۸۴) نیز با آزادسازی تجاری، افزایشی در حجم واردات رخ می‌دهد که با افزایش فوری در میزان صادرات نیز جبران نمی‌شود و دولت را با کسری بودجه مواجه خواهد ساخت، که این موضوع با کاهش قیمت کالا و مواد همراه خواهد بود. این دو عامل یعنی کسری بودجه دولت و کاهش قیمت به کاهش درآمد خانوارهای روستایی و در

نتیجه، اثرگذاری منفی بر امنیت غذایی آنها می‌انجامد. البته باید گفت که با توجه به خودمعیشتی بودن خانوارهای روستایی، میزان این اثر منفی بسیار اندک است. تحلیل انجام‌شده در بلندمدت نشان می‌دهد که صادرات اثر مثبت و واردات اثر منفی بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی دارند؛ زیرا با گذشت زمان، به دلیل تمایل افراد برای خرید کالا و مواد وارداتی، خانوارهای روستایی انگیزه خود را برای تولید کافی از دست می‌دهند و تنها در صورتی که واردات با صادرات همراه شود، این خانوارها به افزایش عرضه و تولید داخلی می‌پردازند که در نتیجه آن، میزان ارز و درآمد ملی افزایش خواهد یافت. البته با توجه به تحلیلی جداگانه مبنی بر آنکه صادرات نسبت به واردات اثر بیشتری بر امنیت غذایی این خانوارها دارد، می‌توان رابطه مثبت آزادسازی تجاری و امنیت غذایی خانوارهای روستایی در معادله ۴ را توجیه کرد. رابطه منفی متغیر تابع امنیت غذایی روستایی با ضریب جینی در معادله ۴ نیز طبق انتظار است. هر چه ضریب جینی (که نشان‌دهنده توزیع درآمدی است) به یک نزدیک‌تر باشد، فاصله طبقاتی بیشتر بوده، ممکن است امنیت غذایی خانوارهای بیشتری تهدید شود. به نظر می‌رسد که رابطه مثبت امنیت غذایی خانوارهای روستایی و سطح فقر در معادله ۴ به دلیل عادت افراد به خرید کالاها طبق سبد مصرفی پیشین خود باشد و از این رو، در کوتاه‌مدت، متوجه کاهش درآمد و افزایش سطح فقر نخواهند شد. این رابطه در بلندمدت برعکس است. شاید بتوان گفت که هر چه سطح فقر روستایی افزایش یابد، به تدریج سهم غذا در سبد مصرفی خانوارها کم می‌شود و در نتیجه، امنیت غذایی آنها کاهش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که هر گونه نوسان در متغیرها به اندازه ۱/۰۷ در هر دوره تعدیل خواهد شد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

همان‌گونه که از برآوردها برمی‌آید، برای تبیین بهتر اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی از مدل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت استفاده شد. برآوردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت نشان دادند که متغیرهای موجود تأثیراتی متفاوت بر متغیر تابع

امنیت غذایی می‌گذارند، به طوری که در بلندمدت و کوتاه‌مدت، هر چه ضریب جینی افزایش یابد، سطح امنیت غذایی خانوارهای روستایی کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، سطح فقر نیز در کوتاه‌مدت بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی اثر مثبت خواهد گذاشت، چرا که به دلیل خودمعیشتی بودن و عادت خانوارهای روستایی به خرید کالاهای مصرفی طبق روند گذشته خود، این خانوارها اثر منفی سطح فقر بر امنیت غذایی خود را احساس نخواهند کرد. البته این دلایل در اندک بودن اثر آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی نیز دخیل بودند. این رابطه در تعادل بلندمدت برعکس خواهد شد، به گونه‌ای که رابطه منفی سطح فقر و امنیت غذایی خانوارهای روستایی طبق انتظار است. همان‌طور که گفته شد، هر چه سطح فقر روستایی افزایش یابد، به تدریج سهم غذا در سبد مصرفی خانوارها کمتر و در نتیجه، از امنیت غذایی آنها کاسته می‌شود. ضریب متغیر آزادسازی تجاری نیز بر امنیت غذایی خانوارها در کوتاه‌مدت، اثری منفی و در بلندمدت، اثری مثبت خواهد گذاشت. هر چه این ضریب در بلندمدت افزایش یابد، امنیت غذایی خانوارها بهبود خواهد یافت. با توجه به اثر مثبت آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی، شاید بتوان چنین ابراز عقیده کرد که با آزادسازی و کاهش یا حذف یارانه‌های مختل‌کننده تجاری و بهبود فرصت‌های دسترسی به بازار، می‌توان به تقویت تولید داخلی و به تبع آن، افزایش درآمد و امنیت غذایی کشاورزانی دست یافت که می‌توانند غذا را به گونه‌ای بهینه تولید کنند. طبق نتایج به دست آمده و با توجه به اینکه اثر مثبت آزادسازی تجاری بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی در بلندمدت نسبت به اثر منفی آن در کوتاه‌مدت کمتر است، پیشنهاد می‌شود که در راستای اتخاذ سیاست‌های تجاری مناسب همانند کاهش موانع صادراتی و مالیات بر واردات و عوامل دیگر گام‌هایی بلندتر برداشته شود؛ زیرا آزادسازی تجاری، از یک سو، به افزایش تولید غذا از طریق مصرف آن در کشور با قیمت‌های رقابتی منجر می‌شود و از سوی دیگر، انگیزه کافی برای تولید با بهترین کارایی و عرضه محصولات غذایی را فراهم می‌آورد که سرانجام، به تنوع بیشتر کالا و خدمات مصرفی با هزینه کمتر، فقرزدایی، ارتقای استانداردهای زندگی افراد و امنیت

غذایی خانوارها خواهد انجامید. در واقع، تجارت بین‌الملل باعث تضمین عرضه مطمئن و باثبات در بازار شده، مصرف غذا با رشدی بیش از تولید داخلی را امکان‌پذیر می‌سازد.

یادداشت‌ها

1. Aggregate Household Food Security Index (AHFSI)
2. openness
3. Food Security Index (FSI)
4. Augmented Dickey- Fuller (ADF)
5. Vector Error Correction Model (VECM)
6. stationary
7. Ordinary Least Square (OLS)
8. Johansen Cointegration Test
9. Akaike Information Criterion(AIC)
10. Schwarz Criterion (SC)
11. Hannan-Quinn (HQ)

منابع

- ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن و محسنی، رضا (۱۳۸۴)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر تراز تجاری و حساب جاری تراز پرداخت‌ها»، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*. ش ۱۷، ص ۱۱-۳۸.
- ابریشمی، حمید، مهرآرا، محسن و محسنی، رضا (۱۳۸۵)، «تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات»، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*. ش ۴۰، ص ۱۲۶-۱۵۹.
- خداداد کاشی، فرهاد و حیدری، خلیل (۱۳۸۳)، «برآورد سطح امنیت غذایی خانوارهای ایرانی بر اساس شاخص AHFSI»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*. سال دوازدهم، ش ۴۸، ص ۱۵۵-۱۶۶.
- رجبی، مصطفی (۱۳۸۰)، «اثرات بلندمدت آزادسازی تجاری بر ساختار بودجه دولت»، *پژوهش‌نامه اقتصادی*. سال ۵، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۶۰.
- سلطانی، سحر، شاهنوشی فروشانی، ناصر و دهقانیان، سیاوش (۱۳۸۴)، «اثر آزادسازی تجاری بر کشاورزی و اقتصاد روستایی ایران»، *پنجمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران*. زاهدان، ۹-۷ شهریور.
- محسنی، رضا (۱۳۸۳)، «اثرات آزادسازی تجاری بر واردات کشورهای در حال توسعه»

- منتخب». مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. سال ۱۱، ش ۴۱، ص ۱۸۱-۲۱۲.
محمدی، حمید و نقشینه‌فرد، محمد (۱۳۸۵)، «اثرات آزادسازی تجاری بر عرضه، تقاضا، واردات و صادرات گندم و پسته در ایران». *مجله علوم کشاورزی*. سال دوازدهم، ش ۱.
مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، *نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی*. پایگاه اطلاعاتی نشریات، قسمت فهرست نشریات، سال‌های ۸۵-۱۳۶۲. قابل دسترسی در: <http://amar.sci.org.ir> (تاریخ مراجعه: ۱۳۸۷/۲/۱۲).
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷)، *شاخص‌های کلیدی نیروی کار در ایران*. فهرست نشریات، سال‌های ۸۵-۱۳۶۲. قابل دسترسی در: <http://amar.sci.org.ir> (تاریخ مراجعه: ۱۳۸۷/۲/۱۲).
- Chilowa, W. (1998), "The impact of agricultural liberalisation on food security in Malawi". *Food Policy*. Vol. 23, No. 6. PP. 553-569.
- Dorosh, Paul A.. (2001), Trade Liberalization and National Food Security: Rice Trade between Bangladesh and India. *World Development*, V 29, No. 4. PP 673-689.
- Pinstrup-Andersen, Per and Pandya-Lorch, Rajul (1995), "Prospects for future world food security". *IRDCurrents: Current Issues in International Rural Development*. No. 9.
- Ramakrishna, G. and Assef, D. (2002), "An empirical analysis of food insecurity in Ethiopia: the case of North Wello". *Africa Development*. Vol. 27, No. 1-2, PP. 127-143.
- Seshamani, V. (1999), *The Impact of Market Liberalisation on Food Security in Zambia*. Lusaka: University of Zambia.
- Thomson, A. and Metz, M. (1998), "implication of economic policy for food security". *A Training Manual*. FAO, Rome.